

Dr. R.Talebi

دکتر روح الله طالبی آرانی*، استادیار، گروه سیاست جهانی و منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

Y. Zarrinnarges

یحیی زرین نرگس، کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

r_talebiarani@sbu.ac.ir

بررسی چرایی ماندگاری بحران‌های ژئopolیتیک غرب آسیا

مطالعه موردی سوریه پس از ۲۰۱۰

پذیرش نهایی: ۹۷/۱/۹

دریافت مقاله: ۹۶/۵/۶

DOI: 10.29252/geores.33.1.51

چکیده

غرب آسیا، از همان آغاز شکل‌گیری نظام دولت در این منطقه، همواره بحران‌آلودترین منطقه در ژئopolیتیک جهانی بوده است. این وضعیت بهویژه در هزاره جدید میلادی در اثر دخالت‌های فرا منطقه‌ای، اشغالگری نامشروع، جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای بیش از پیش تشدید شده‌اند. در حال حاضر کشورهای این منطقه یا میدان خشونت‌بارترین منازعات نظامی هستند یا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در آن‌ها درگیرند. از طرفی کنشگران فرا منطقه‌ای نیز مجال مداخله در این قبیل بحران‌ها را به دست آورده‌اند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد شدت یابی بحران‌های غرب آسیا خصلت خودتداوم یابنده نیز یافته‌اند، به‌گونه‌ای که تاکنون هیچ راه حل عملی امیدبخشی برای حل و فصل آن‌ها ارائه نشده است. بازترین جلوه تجربی این مدعای را می‌توان آشکارا در بحران سوریه مشاهده کرد. تحلیل گران، در علت یابی این وضعیت، همواره بر یک یا چند عامل محدود تمرکز می‌کنند و در بسیاری مواقع در دام تقلیل‌گرایی می‌افتد. در این نوشتار تلاش می‌شود با عنایت به این سؤال اصلی که «چرا بحران‌های غرب آسیا، با تأکید بر بحران سوریه از ۲۰۱۰ به بعد ماندگارند؟» از طریق تلفیق سه سطح فرو ملی، ملی و بین‌المللی، مدل نظری جامعی در زمینه تبیین این وضعیت ارائه شود و با بهره‌گیری از آن، راهکار عملی برای برآورفت از بحران‌های مذکور مطرح گردد. در همین راستا، با بهره‌گیری از روش تبیینی تحلیلی و توسل به داده‌های تاریخی و شواهد تجربی روز، استدلال شده است که «پایداری تعامل عوامل قوام‌بخش و مجال بخش در غرب آسیا با تأکید بر موضوع بحران دولت بین‌المللی سوریه پس از ۲۰۱۰، زمینه را برای ماندگاری بحران‌ها در این منطقه و کشور فراهم نموده است». در نتیجه‌گیری، چنانی استدلال شده است که بحران‌های ژئopolیتیک در غرب آسیا نه تنها ماندگاری داشته‌اند بلکه به علت انباشتگی چالش‌های فرارویشان، تسری فرا منطقه‌ای آن‌ها نیز دور از انتظار نیست. راه حل عملی برای مقابله با چنانی وضعیتی همانا عادی‌سازی نظام دولت بر پایه زدون چالش‌های مجال بخش و قوام‌بخش خواهد بود که طبعاً وجود دولت‌های کارآمد، مدیریت منازعات منطقه‌ای و فقدان مداخله قدرت‌های بزرگ را ضروری خواهد ساخت.

واژگان کلیدی: سوریه، غرب آسیا، ناکامیابی دولت، دولت بین‌المللی، عوامل قوام‌بخش، عوامل مجال بخش

مقدمه

هر چند سیر تطور نظام دولت از پیمان وستفالی در سال ۱۹۴۸ شروع شده است، ولی دولت‌ها در مناطق جغرافیایی گوناگون، طی دوره‌های تاریخی مختلف و شرایط بسیار متفاوتی شکل گرفته‌اند؛ اصلی‌ترین تفاوت‌ها با فروپاشی امپراتوری‌های پس از جنگ اول

جهانی، استعمارزدایی پس از جنگ دوم جهانی، و سقوط کمونیسم پس از جنگ سرد رخ داد، به گونه‌ای که در طی صد سال اخیر هرچه بیشتر بر شمار دولت‌ها افزوده شد (بیزان فام، ۱۳۹۲: ۲۷). به موازات شکل‌گیری دولت‌های جدید در نواحی غیر غربی، بحران‌های امنیتی و نظامی نیز به نحوی شکل گرفت که در سراسر قرن بیست و حتی بعدازآن به صورت پدیده‌ای مزمن درآمده است.

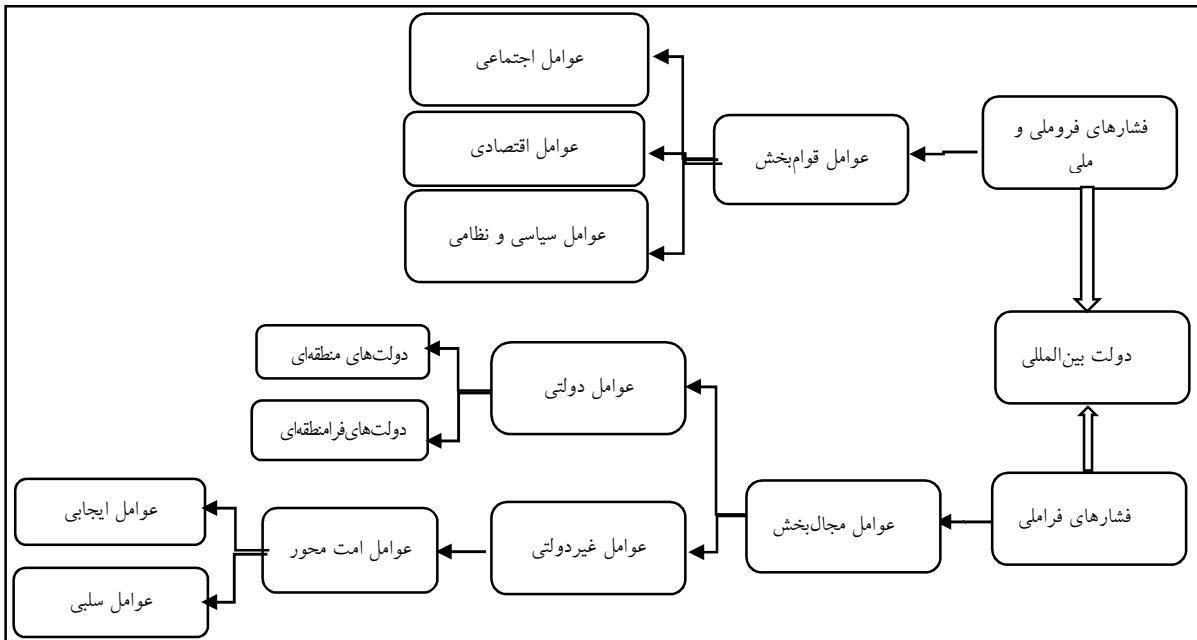
در این میان، می‌توان استدلال کرد که در سال‌های دهه ۱۹۹۰ و پس از آن، تحولات غرب آسیا با سرعت بیشتری پیش رفت. سیر حوادث در غرب آسیا تا اوایل دهه ۲۰۰۰، و در نهایت ۲۰۰۳، به واسطه چهار تحول شکوف منطقه‌ای و پیامدهای جهانی آن مشخص می‌شود: تجاوز عراق به کویت در دوم آگوست ۱۹۹۰؛ امضای اعلامیه اصول اسرائیل - فلسطین در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳؛ حمله القاعده به ایالات متحده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱؛ اشغال عراق در مارس و آوریل ۲۰۰۳ (Halliday, 2005: 130). این رویدادها غرب آسیا را به منطقه‌ای منازعه‌آلود بدل نمودند. با وقوع خیزش‌های مردمی و به موازات آن، ظهور کنش‌گران جدیدی از قبیل داعش در دهه دوم سده بیست و یکم، اکنون منطقه آنکنه از منازعه است، حتی در معنای «هابزی»، تلاش‌های مداوم و مکرر برای ساختن رژیم‌های امنیتی با شکست مواجه شده‌اند. نوع ترک‌برداشته‌ای از جامعه بین‌المللی منطقه‌ای - با رویه‌های معمول از قبیل حاکمیت، دیپلماسی و موازنی قدرت - به چشم می‌خورد، اما مبتلا به ناهم‌سازی هنجاری است، مشروعيت اش بهشدت مورد مناقشه است، با جنگ‌های دوره‌ای، انقلاب‌ها و مداخله‌هایی روبه‌روست که به دنبال بازسازی یا دفاع از این نظم هستند (هالیدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۱).

درنتیجه، می‌توان گفت که بحران‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا، به ویژه در هزاره جدید میلادی تشدید گردیده است، به گونه‌ای که در حال حاضر کشورهای این منطقه یا میدان خشونت‌بارترین منازعات نظامی هستند یا به طور مستقیم و غیرمستقیم در آن‌ها در گیرند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد شدت یابی بحران‌های غرب آسیا خصلت خودتاومیابنده نیز یافته‌اند، به گونه‌ای که تاکنون هیچ راه حل عملی امیدبخشی برای حل و فصل آن‌ها ارائه نشده است. بازترین جلوه تجربی این مدعای را می‌توان آشکارا در بحران سوریه مشاهده کرد. در این نوشتار تلاش می‌شود از طریق تلفیق سه سطح فرو ملی، ملی و بین‌المللی، مدل نظری جامعی در زمینه تبیین این وضعیت ارائه شود و با بهره‌گیری از آن، راهکار عملی برای بروز رفت از بحران‌های مذکور مطرح گردد.

چارچوب نظری

در راستای اهداف نوشتار حاضر، دولت به عنوان واحد اصلی چارچوب نظری در نظر گرفته می‌شود. دولت‌ها در کاربرد مشروع خشونت سازمان یافته تخصص دارند. به بیان چالرز تیلی، دولت‌ها «قلدرهای حفاظت‌گر» هستند (Went, ۱۳۹۲: ۲۹۷). در خوانش تاریخی حدود سه نیم قرن از عمر دولت‌های برآمده از وستفالی می‌گذرد. در این مدت، دولت‌ها در چارچوب مرزهای ملی خویش از حاکمیت و اقتدار کافی برخوردار بوده‌اند. در این شرایط دولت‌ها قادر به نظارت و کنترل شهر و ندان خویش بوده و توانسته‌اند قوانین موردنظر خود را وضع نمایند. با تسریع و تشدید روند جهانی شدن، ضمن فراسایش اقتدار دولت‌ها، نفوذ پذیری مرزها و تحدید حاکمیت آن‌ها، ده‌ها بازیگر غیر حکومتی وارد عمل شده و در اقتدار دولت‌ها سهیم گردیده‌اند (قوم، ۱۳۹۰: ۵۶). اگرچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد جهانی شدن در پیوند با رشد وابستگی متقابل و گسترش «مناطق صلح» قرار داشته است، ولی غرب آسیا در طی قریب به سه دهه گذشته به یک منطقه جنگ بدل شده است (Hinnebusch, 2003: 204)، چراکه قبل از تشدید روند جهانی شدن در اثر حاکم بودن فضای ایدئولوژیک جنگ سرد، بسیاری از دولت‌های ضعیف و آسیب‌پذیر به هر حال می‌توانستند مکانی برای خود در جهان بیابند. ولی در وضعیت کنونی این قبیل دولت‌ها نه تنها نمی‌توانند جایگاه خویش را در جهان پیدا کنند، بلکه قادر نیستند از طریق دسترسی به جهان، یکپارچگی سیاسی داخلی خود را حفظ نمایند (قوم، ۱۳۹۰: ۴۱). از منظری دیگر با نگاه به غرب آسیا، جهانی شدن زمینه را

برای ناکامیابی دولت در منطقه فراهم آورده است. دولت ناکامیاب که امور داخلی آن به دست آویزی برای مداخله قدرت‌ها بدل می‌شود، به دولت بین‌المللی بدل شده که حاصل این امر به حاشیه رفتن امر ملی در این دولت‌ها است. شکل این صورت‌بندی جدید از دولت در زیر آمده است:



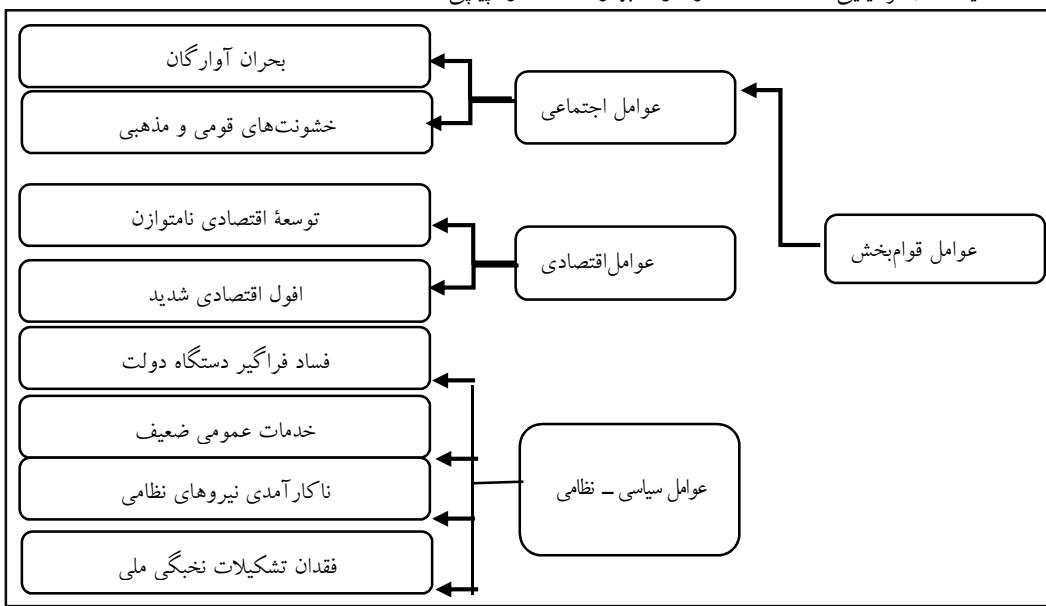
شکل ۱- چگونگی بین‌المللی شدن دولت در غرب آسیا

منبع: (طالبی آرانی، ۱۳۹۳)

بر اساس شکل ۱، دولت بین‌المللی در غرب آسیا در وضعیت بحران ژئopolیتیکی و ناکامیابی دولت، تحت تأثیر دودسته فشارها قرار می‌گیرد؛ فشارهای فرو ملی و ملی از داخل و فشارهای فراملی از بیرون، درنهایت در برخی از کشورهای غرب آسیا شاهد شکل‌گیری دولت‌های بین‌المللی به عنوان برونداد این وضعیت هستیم. حال فشارهای فراملی خود به دودسته اصلی تقسیم می‌شوند؛ فشارها یا دولتی هستند یا غیردولتی. فشارهای دولتی خود به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود؛ دولت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقة‌ای. فشارهای غیردولتی نیز در قالب عوامل امت محور و دو صورت ايجابی و سلبي قابل تقسيم‌بندی هستند. فشارهای فرو ملی به سه دسته کلان تقسیم می‌شوند؛ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نظامی (طالبی آرانی، ۱۹:۱۳۹۳)

عوامل قوام‌بخش تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران‌های ژئopolیتیکی

این عوامل به ظرفیت‌های داخلی بحران‌سازی ژئopolیتیکی و ماندگاری آن اشاره دارند. این عوامل را می‌توان در سه بعد مطرح کرد: الف- بعد اجتماعی شامل؛ بحران آوارگان و پناهندگان، خشونت‌های قومی-مذهبی؛ ب- بعد اقتصادی شامل؛ توسعه اقتصادی نامتوازن، و افول اقتصادی شدید؛ ج- بعد سیاسی- نظامی شامل فساد فraigیر در دستگاه دولت، روند بدتر شدن خدمات عمومی، ناکارآمدی نیروهای نظامی و انتظامی، و فقدان شکل‌گیری تشکیلات نخبگان ملی (ملهم از ۱۸: ۲۰۱۵ FFP). صورت‌بندی نمودار عوامل قوام‌بخش ^۲ لازم شکل ۲ طرح شده است.



شکل ۲- عوامل قوام‌بخش تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران‌های ژئوپلیتیکی در مناطق غیر غربی

منبع: (طالبی آرایی، ۱۳۹۳)

عوامل مجال بخش تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران‌های ژئوپلیتیکی

در پرتوی مفروض نظری که در بالا مورد بحث قرار گرفت، دولت به طور عام و دولت بین‌المللی به طور خاص، در خلاصه عمل نمی‌کند. از این‌رو، وقوع هر تحولی از جمله بحران ژئوپلیتیکی در هر دولتی لاجرم از عوامل خارجی نیز تأثیر می‌پذیرد که ما در اینجا از آن‌ها با عنوان عوامل مجال بخش یاد می‌کنیم. این عوامل به مداخلات منطقه‌ای و بین‌المللی در شکل‌گیری و ماندگاری بحران‌های ژئوپلیتیکی بازمی‌گردد که در دو سطح دولتی و غیردولتی قابل دسته‌بندی هستند.

عوامل قوام‌بخش تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

در این بخش با عنایت به سه شاخص اساسی یعنی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی - نظامی به بررسی دو سطح تحلیل در هم‌تنیده ملی و فرو ملی خواهیم پرداخت که در نهایت به معنایی به حاشیه رفتن امر ملی و بی‌توجهی به شکل‌گیری عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی - نظامی در سطح ملی در سوریه است.

الف) عوامل اجتماعی

بحران آوارگان

سوریه امروز، یکی از بحران‌های انسانی بسیار پیچیده جهان است. ۴/۸ میلیون نفر از مردم این کشور، وادر به ترک کشور خود شده و ۶/۵ میلیون نفر نیز در داخل کشور آواره شده‌اند، که این موضوع سوریه را به بزرگ‌ترین کشور آوارگان در سراسر جهان بدل نموده است. در سال ۲۰۱۶، برآوردها نشان می‌دهد که ۱۳/۵ میلیون نفر از مردم، شامل ۶ میلیون کودک، نیازمند کمک‌های بشردوستانه هستند. از این تعداد ۴۷/۵ میلیون نفر در مناطق تحت دسترسی سخت قرار دارند، که می‌توان به محاصره ۶۰۰ هزار نفر در ۱۸ منطقه تحت محاصره اشاره کرد (UNOCHA, 2016).

به گزارش یکی از نهادهای بشردوستانه به نام "مرسی کورپس"، خانواده‌های سوری در داخل این کشور، در منازعه برای بقا هستند، یا خانه‌ای جدید در کشورهای همسایه ساخته‌اند. برخی نیز زندگی شان را در مسیر اروپا با امید به این که فرصتی و پذیرشی را کسب کنند، به خطر می‌اندازند. در سال ۲۰۱۲، ۱۰۰ هزار آواره وجود داشت، در آوریل ۲۰۱۳ به ۸۰۰ هزار نفر رسید و پس از ۴ ماه ۱/۶ میلیون نفر یعنی دو برابر رسید. اکنون در سال ۲۰۱۶، بیش از ۴/۸ میلیون سوری آواره خارج از مرزهای سوریه هستند) Mercy corps, 2016.

خشونت‌های قومی و مذهبی

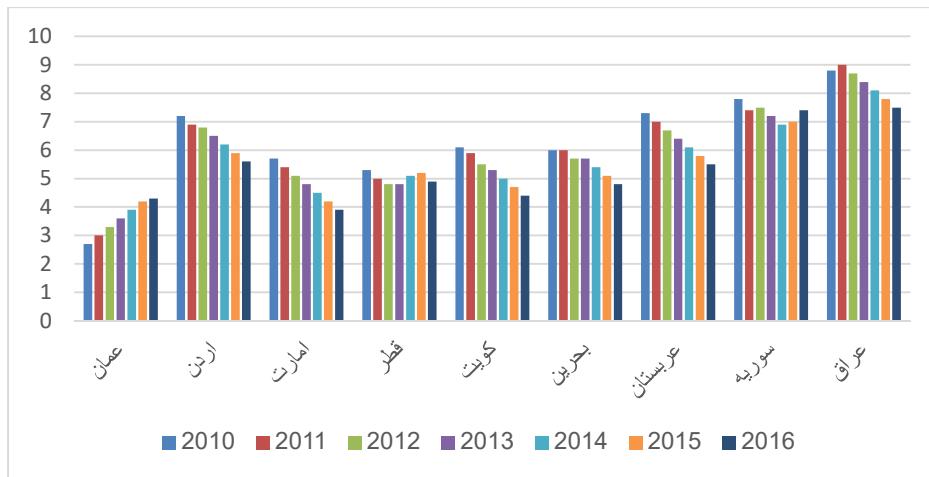
سوریه کشوری است درگیر خشونت‌های قومی و مذهبی، که از سال ۲۰۱۱، با بالا گرفتن این خشونت‌ها به ویژه با ظهور داعش در سال ۲۰۱۳، شاهد تشدید منازعه‌های قومی و مذهبی در این کشور هستیم. اعتراضات در مارس ۲۰۱۱ در شهر جنوی درعا، به دنبال نقاشی‌های چند جوان بر دیوارهای مدارس شروع شد. اما از آن هنگام که نیروهای امنیتی آتش روی معترضان گشودند، عده بیشتری به خیابان‌ها ریختند. این عوامل زمینه را برای تشدید منازعه قومی و مذهبی و چندپاره شدن تنش‌ها میان گروههای قومی و مذهبی کرد، شیعه، سنی، علوی، مسیحی، آشوری، ترکمان و دیگر اقلیت‌ها فراهم نمود. تشدید خشونت‌ها این کشور را به درون یک جنگ داخلی فروبرد که گروههای نظامی قومی و قبیله‌ای با برداشتن سلاح حکومت را از کنترل شهرهایشان دور کردند که این خود بر تشدید خشونت‌ها افزاود (Sly, 2011: 12). با دامن زدن به منازعات فرقه‌ای، کشور به اکثریت سنی علیه فرقه علوی اسد تقسیم شد و به مداخله کشورهای منطقه‌ای و جهانی دامن زد. خیزش گروههای جهادی مانند دولت اسلامی بعد دیگری از این تنش‌ها است. بر اساس آخرین گزارش‌ها، از هر ۱۰ نفر سوری، ۱ نفر کشته یا دچار آسیب شده است. مرکز سوری برای تحقیقات سیاسی می‌گوید از ابتدای بحران سوریه تاکنون ۴۷۰ هزار نفر کشته شده‌اند (PBS, 2016). در آماری دیگر از مارس ۲۰۱۱ تاکنون، بیش از یک‌چهارم میلیون نفر از جمعیت سوریه کشته و بیش از یک‌میلیون نفر نیز زخمی شده‌اند (UNOCHA, 2016).

ب) عوامل اقتصادی

۱- توسعه اقتصادی نامتوازن

ارائه تصویر روشنی از وضعیت اقتصادی سوریه، در شاخص توسعه اقتصادی نامتوازن، نیازمند یک رویکرد مقایسه‌ای است تا بتواند در کی بهتر از این مؤلفه را نشان دهد. در همین راستا، از شاخص دولت‌های شکننده ^۳در بنیاد صلح، بخش توسعه اقتصادی نامتوازن به شکل مقایسه‌ای میان کشورها استفاده می‌کنیم. امتیازدهی به هر پارامتر در شاخص دولت‌های شکننده بر اساس ۰ تا ۱۰ است، بدین معنا که هر چه کشوری در وضعیت توسعه اقتصادی نامتوازن به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان از توسعه اقتصادی متوازن داشته و یک اقتصاد پویا در داخل با بهره‌مندی تمام گروههای جناح‌ها و مناطق و نیز عدم اختلاف شدید در آمدی میان دهکهای بالا و پایین را نشان می‌دهد. در مقابل هرچه امتیاز کشوری در این شاخص به ۱۰ نزدیک‌تر باشد، آن کشور از وضعیت توسعه اقتصادی نامتوازن شدید رنج می‌برد، اختلاف شدیدی میان درآمد دهکهای بالا و پایین وجود دارد، تبعیض شدیدی میان خدمات شهری و روستایی و نیز دسترسی به خدمات مترقبی در مناطق مختلف وجود دارد. برای این شاخص تلاش می‌شود تا با الهام از بنیاد صلح و شاخص‌های شکننده‌گی، ۹ کشور غرب آسیایی را که سوریه هم یکی از آن‌ها است در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، در قالب یک نمودار موردنبررسی

قرار دهیم (FFP, 2010-2016: 23). این کشور در میان این فهرست ۹ کشوری در غرب آسیا، درگیر بحران ژئوپلیتیکی ماندگاری است که در کنار سایر کشورهای منطقه، درک روشنی از وضعیت اقتصادی آن می‌دهد.



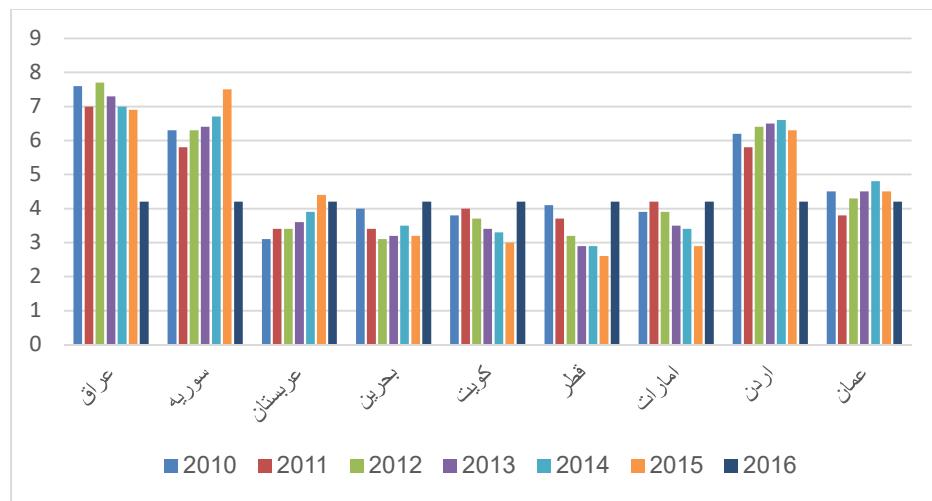
نمودار ۱- مقایسه توسعه اقتصادی نامتوازن سوریه و ۸ کشور غرب آسیا از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶

منبع: (زیرین نرگس، ۱۳۹۴)

بر اساس نمودار، کشور سوریه از امتیاز ۰ تا ۱۰ که ۰ به معنای ثبات و ۱۰ به معنای شکنندگی بالا و وضعیت قرمز است جزو کشورهای بسیار شکننده غرب آسیا در این شاخص است. امتیاز سوریه در سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ شامل: ۲۰۱۱ (۷/۸)، ۲۰۱۲ (۷/۵)، ۲۰۱۳ (۷/۲)، ۲۰۱۴ (۶/۹) و ۲۰۱۵ (۷) و ۲۰۱۶ (۶/۹) و ۲۰۱۷ (۷) می‌باشد که باید توجه داشت به واسطه بحران داخلی در سوریه اقتصاد این کشور در حال فروپاشی است.

افول اقتصادی شدید

افول اقتصادی شدید به معنای ناتوانی دولت در برآوردن نیازهای آن دسته از شهروندان است که ناتوان از برآوردن نیازهای خود می‌باشند. همچون بخش پیشین، از شاخص دولتهای شکننده در بنیاد صلح، بخش افول اقتصادی را به شکل مقایسه‌ای میان کشورها استفاده می‌کنیم. امتیازدهی به هر پارامتر در شاخص دولتهای شکننده بر اساس ۰ تا ۱۰ است، بدین معنا که هرچه کشوری در وضعیت افول اقتصادی به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان از عدم افول اقتصادی داشته و یک اقتصاد توانمند است که در تأمین نیازهای داخلی و رفع فقر و بیکاری و کاهش تورم در داخل موفق است، اما مادامی که دولتی به ۱۰ نزدیک باشد، به معنای بیکاری شدید، عدم توانایی قدرت خرید، کمبودهای اقتصادی، قرض دولت، درآمد سرانه ناچیز و رشد تولید ناخالص داخلی آن است (FFP, 2010-2016: 23). حال بر اساس نمودار زیر به بررسی وضعیت مقایسه‌ای افول اقتصادی سوریه در طی سالهای ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۶ در مقایسه با ۸ کشور دیگر غرب آسیا خواهیم پرداخت.



نمودار ۲- افول اقتصادی سوریه در مقایسه با ۸ کشور غرب آسیا (۲۰۱۶ - ۲۰۱۰)

منبع: (زرین نرگس، ۱۳۹۴)

چنان‌که در نمودار بالا شاهدیم، کشور سوریه از امتیاز ۰ تا ۱۰ که به معنای ثبات و ۱۰ به معنای شکنندگی بالا و وضعیت قرمز است جزو کشورهای بسیار شکننده غرب آسیا در این شاخص است که اردن تنها کشور نزدیک به آن‌هاست. در مورد سوریه شاهدیم با تشدید بحران در این کشور، وضعیت اقتصادی آن هرساله به سمت وخیم‌تر شدن نیل می‌کند.

پ) عوامل سیاسی - نظامی

۱- فساد فراگیر در کشور و نظام سیاسی حاکم

برای درک وضعیت فساد در سوریه، به آمارهای و شاخص بندی‌های سالانه سازمان شفافیت بین‌المللی ارجاع می‌شود. درک این شاخص در وضعیت مقایسه‌ای میان ۱۷۵ الی ۱۸۰ کشور، چشم‌انداز روشنی از وضعیت سوریه را ارائه خواهد نمود.



نمودار ۳- رتبه شفافیت بین‌المللی سوریه از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶

<http://www.tradingeconomics.com/iraq/corruption-rank>



با عنایت به نمودار بالا سوریه با کسب جایگاه ۱۵۴ در میان ۱۷۵ کشور موردنبررسی در سال ۲۰۱۵، از فاسدترین کشورهای جهان به حساب می‌آید که محاسبه آن توسط نهاد شفافیت بین‌المللی انجام شده است. شاخص فساد سوریه با میانگین ۱۲۲/۴۶ از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵، در بالاترین حالت سطح ۱۶۸ را در سال ۲۰۱۳، یعنی سال اوج جنگ در سوریه کسب نموده و پایین‌ترین رده این کشور نیز به سال ۲۰۰۳ یعنی ۶۶ بوده است (TE, 2006 - 2016).

خدمات عمومی ضعیف

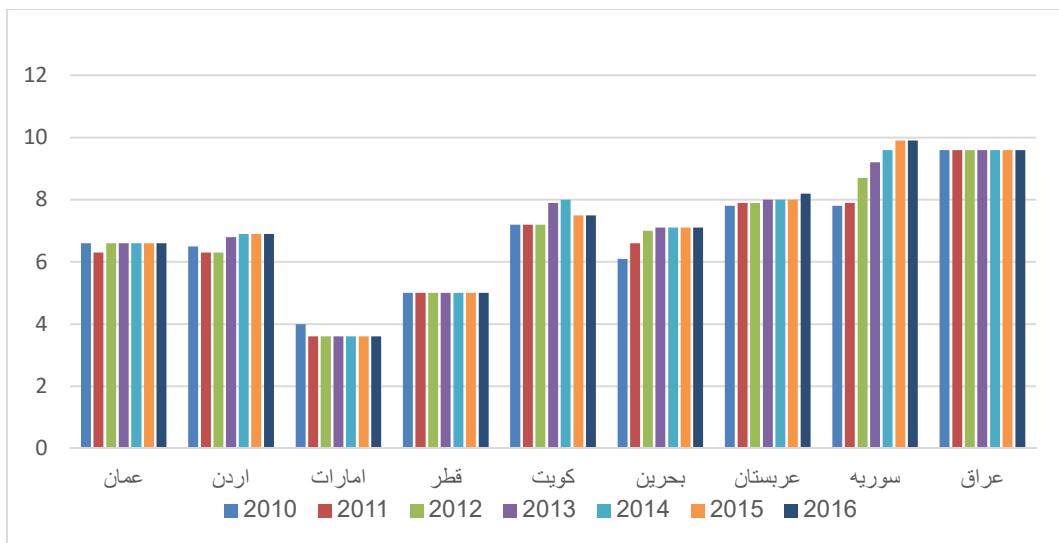
در انحراف سوریه، مردم این کشور در دسترسی به منابع خدماتی و بهداشتی با مشکل مواجه شده‌اند. بر اساس آمارهای دفتر ملل متحده برای هماهنگی امور بشردوستانه از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶، شاهدیم که حدود ۱۱/۵ میلیون نفر از مردم سوریه، نیازمند مراقبت‌های بهداشتی هستند، ۱۳/۵ میلیون نفر نیازمند حمایت بشردوستانه و ۱۲/۱ میلیون نفر نیازمند آب و تأسیسات بهداشتی، حال آن‌که، ۵/۷ میلیون کودک نیازمند حمایت‌های آموزشی بوده و در حدود ۲/۷ میلیون نفر از آن‌ها نیز از تحصیل بازمانده‌اند. حدود ۲/۴۸ میلیون انسان در ناامنی غذایی به سر برند و با این حال، بیش از ۱/۵ میلیون به سرپناه و لوازم موردنیاز برای زندگی نیاز دارند. دسترسی‌های بشردوستانه به نیازهای انسانی در سوریه درنتیجه بحران این کشور مغفول مانده است، از مهم‌ترین بحران‌های دامن‌گیر این کشور می‌توان به موانع اداری و بوروکراتیک در مسیر کمک‌های بشردوستانه، خشونت در امتداد مسیرهای دسترسی و اینمی عمومی و نگرانی‌های امنیتی در نقض قوانین بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی اشاره نمود (UNOCHA, 2016).

ناکارآمدی نیروهای نظامی و انتظامی

ارتتش سوریه یکی از مهم‌ترین ارکان این کشور است و دارای سابقه تاریخی در تحولات این کشور می‌باشد. این ارتتش در اصل ریشه در نیروهای محلی و قبیله‌ای دارد که پس از پایان قیومیت فرانسه و کسب استقلال سوریه، در درون ارتتش رسمی این کشور ادغام شد (Pollack, 2004: 5). در سال ۲۰۱۱، با شروع بحران داخلی سوریه و گسترش اعتراضات ضد دولتی در این کشور، شاهد شکاف و فروپاشی بخش‌هایی از ارتتش رسمی این کشور هستیم. در این سال، حدود ۱۰ هزار نفر از نیروهای ارتتش، پست‌های خود را رها کرده و بیشترشان ارتتش آزاد سوریه را برای مبارزه با دولت قانونی بشار اسد تشکیل دادند. در همین سال ارتتش آزاد، تعداد نیروهای ارتتش دولت را ۲۰۰ هزار نفر تخمین زد. در سال ۲۰۱۲، برخی از ارتشیان به‌واسطه عدم تمایل به مقابله با معتبرضان، پست‌های خود را ترک کردند که تخمین زده شد در این سال نیز ۶۰ هزار نفر از نیروهای ارتتش کم شده باشد (Emre, Abu-Nasr, 2012).

فقدان تشکیلات نخبگان ملی

یکی از شاخص‌های دولتهای شکننده در بنیاد صلح، نخبگان جناحی شده‌یاً فقدان تشکیلاتی نخبگان ملی است. یکی از راههای سنجش وضعیت نخبگان در سوریه و عدم شکل‌گیری تشکیلاتی نخبگان ملی مبتنی بر پایین‌دی به هویت ملی، استفاده از این شاخص است (FFP, 2010-2016: 23). نمودار ۴ مقایسه‌ای از ۹ کشور غرب آسیا که سوریه نیز یکی از آن‌هاست، را نشان می‌دهد.



نمودار ۴- بررسی تطبیقی وضعیت نخبگان جناحی شده سوریه با ۸ کشور غرب آسیا

منبع: (زرین نرگس، ۱۳۹۴)

بر اساس نمودار ۴ کشورهای عراق، سوریه و عربستان بدترین وضعیت را از منظر این شاخص در غرب آسیا دارا هستند. سوریه از سال‌های شروع جنگ داخلی آن یعنی ۲۰۱۱ به بعد، امتیازهای ۷/۹ و بالاتر را دریافت کرده است. چنان‌که گفته شد، امتیاز نزدیک به ۱۰ به معنای شکنندگی شدید دولت در شاخص موردنظر است.

عوامل مجال بخش تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئopolیتیکی سوریه

الف) دولت‌های منطقه‌ای و شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئopolیتیکی سوریه

۱- جمهوری اسلامی ایران: ایران و سوریه از همان ابتدای انقلاب اسلامی ایران تا امروز از روابط گرمی برخوردار بوده‌اند و سوریه به عنوان کلیدی‌ترین متحد و شریک منطقه‌ای ایران به حساب می‌آید. در ۲۵ جولای ۲۰۱۱، ایران، عراق و سوریه یک توافق‌نامه در زمینه گاز طبیعی به ارزش ۱۰ میلیارد دلار به امضا رساندند (Fulton, 2011: 3). اما شروع اعترافات و بحران داخلی سوریه زمینه را برای دگرگونی در روابط دو کشور فراهم نمود. روابط دو کشور وارد مرحله‌ای شد که در قالب تلاش ایران برای حفظ بشار اسد و مقابله با نیروهای مخالف وی قابل صورت‌بندی است. ایران در سال‌های اخیر که سوریه درگیر بحران جنگ داخلی است تجهیزات نظامی ضروری را برای سوریه تدارک دیده است (Fulton, Wyer, 2012). حمایت ایران از دولت قانونی و مستقر سوریه در طول ۵ سال جنگ داخلی این کشور، از نقش حیاتی برای بقای اسد برخوردار بوده است. ایران حضور خود در سوریه را تقویت نموده است و هدف آن برافراش نفوذ در پر کردن شکاف‌ها میان دولت اسد و روسیه، به عنوان دیگر بازیگر کلیدی در بحران سوریه است تا بتواند ایزاری برای این کشور در گفت و گوهای صلح باشد. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که «هر گونه تلاش غیر دموکراتیک برای حذف اسد منجر به نسل‌کشی علوی‌ها در سوریه و کاهش نفوذ ایران می‌شود که این موضوعی نیست که خواهان آن باشد» (Bozorgmehr, 2016).



۲- عربستان: به لحاظ تاریخی روابط عربستان سعودی و سوریه، هرگز چندان گرم نبوده است. اما در نیمه دوم ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۱، روابط عربستان سعودی و سوریه بهبود پیدا کرد، که این امر درنتیجه فرآیند آشتی با دیدار ملک عبدالله از دمشق در سال ۲۰۰۹ امکان پذیر شد. این ماه عسل روابط به واسطه بهار عربی به سرعت پایان یافت. در تابستان ۲۰۱۱، با گسترش اعتراضات ضد اسد در سوریه، عربستان به یکباره رفتار و موضع خود را تغییر داد و تصمیم گرفت که بر ضد نظام مستقر در سوریه عمل نماید. به طور کلی، موضع عربستان در سوریه، در اثر ترکیبی از عوامل شخصی، فرقه‌ای و بالاتر از هم این‌ها، سیاسی شکل گرفته است. نخست، عربستان هرگز نسبت به بشار اسد و ایدئولوژی بعضی سکولار آن خوش‌بین نبوده است. دوم؛ تداوم فشار بر مخالفان سیاسی سنی توسط دولت قانونی علویان حاکم، عربستان را برآشته است. سوم؛ و قابل توجه‌تر از همه، عربستان زوال نظام سیاسی کنونی سوریه را فرصتی طلایی برای تضعیف ایران، مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای خود، می‌داند (ملهم از 2012). (Berti, Guzansky, 2012)

۳- ترکیه: حکومت ترکیه پس از ناآرامی‌های داخلی در سوریه، زبان به انتقاد از بشار اسد گشود. رجب طیب اردوغان مدعی شد که برای مردم سوریه، پذیرش دیکتاتوری که رهبر کشتار بیش از ۳۵۰ هزار نفر بوده است، غیرممکن است. ترکیه از مهم‌ترین کشورهای حامی مخالفان سوری است و میزان بیش از ۲ میلیون آواره این کشور است. این کشور سیاست خود را بر عدم اعمال نظارت و کنترل عبور و مرور جنگجویان شورشی، محموله‌های سلاح و پناهندگان قرار داده و نیز کنترلی بر جهادی‌های خارجی مایل به پیوستن به داعش قرار نداده است (طالبی آرانی، زرین نرگس، ۱۳۹۵). ترکیه و عربستان در سال ۲۰۱۶، سوریه را به مداخله نظامی تهدید کردند. انگیزه ترکیه روشن است: آنکارا به شدت درباره افزایش قدرت کردها در شمال شرقی سوریه نگران است. این مسئله به دوراز مخالفت غریزی ترکیه با هرگونه منطقه خودمختار برای کردها نیست. مخالفت ترکیه از این انگیزه نشات می‌گیرد که سازمان کردهای سوریه، یعنی یگان‌های مدافع خلق، روابط نزدیکی با حزب کارگران کرستان یعنی پک ک در ترکیه دارد، که یک گروه کردی در درون ترکیه است و به لحاظ بین‌المللی به عنوان سازمان تروریستی شناسایی شده است (Purcell, 2016). امروزه ترکیه به شکل مستقیم از طریق آتش توپخانه، استفاده از جت‌های خود و نیز حمایت از ارتش موسوم به آزاد سوریه، وارد عفرین در کرستان سوریه شده و این شهر را که در اختیار کردها بود، به کنترل خود درآورده و در تلاش است تا موضع کردها را در این کشور تضعیف و در مقابل موضع ترکیه و هم‌پیمانان اسلام‌گرای خود را در سوریه تقویت نماید.

ب) عوامل فرا منطقه‌ای تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

۱- دولت‌های فرا منطقه‌ای بزرگ و مداخله‌گر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه

۱-۱- آمریکا: از ابتدای بحران سوریه ایالات متحده، اسد را به ارتکاب جنایات گسترده متهم نموده است و خواهان کناره‌گیری اوست. در گام نخست ایالات متحده در آوریل ۲۰۱۱، تحریم‌هایی را علیه حکومت بشار اسد تحمیل نمود و در جولای نیز هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت، اعلام کرد که بشار اسد مشروعيت خود را از دست داده است (Wilson, 2011: 11). این کشور به تدریج مراودات اقتصادی خود را با سوریه قطع نمود و روابط رسمی دو کشور به پایین ترین سطح رسید. با تشدید بحران در سوریه، حمایت‌های نظامی ایالات متحده از مخالفان سوری با اختصاص سلاح‌هایی به ارزش ۱۵ میلیون دلار وارد مرحله جدیدی شد (Schmitt, 2012). در سال ۲۰۱۳، ایالات متحده و انگلیس طرح آموزش نیروهای به اصطلاح سکولار و میانه‌رو سوری را در اردن به راه انداختند، برنامه ایالات متحده برای آموزش ۵ هزار معارض سوری برای جنگ با داعش در عرصه زمینی نیز چندان موفق نبود (Julian, Nick, 2012).

2013). پس از این تحولات آمریکا با مذاکرات توافقی بر سر پایان جنگ و ایجاد یک دولت انتقالی موافق نمود. اما این کشور از ابتدای سپتامبر ۲۰۱۴، حملات هوایی را علیه داعش و دیگر گروههای جهادی در سوریه را به عنوان بخشی از ائتلاف بین‌المللی علیه گروههای جهادی انجام داده است (طالبی آرانی، زرین نرگس، ۱۳۹۵). با شروع مداخله نظامی روسیه در سوریه در سال ۲۰۱۵، باراک اوباما با حمایت از نیروهای داخلی سوریه، گروههای کردی را که شامل ۲۵ هزار جنگجو بودند و اعراب مخالف نظام سیاسی سوریه را که ۵ هزار نفر بودند، در قالب "نیروهای سوریه دموکراتیک" تقویت نمود. برنامه آموزش و تجهیز مخالفان اسد در سوریه توسط "سیا"ی آمریکا در حال تداوم است (Starr et al, 2015).

روسیه: سه دلیل می‌توان برای حمایت روسیه از بشار اسد، از همان ابتدای شروع بحران این کشور بر شمرد: نخست؛ مسکو از همان ابتدا بر این باور بود که واشنگتن و متحده اروپایی آن نسبت به آنچه در سوریه می‌گذرد، دچار بدفهمی شده‌اند. مسکو نگران است که سقوط بشار اسد زمینه را برای خیزش یک نظام سیاسی رادیکالیست اسلامی سنی که نه تنها ضد غرب است، بلکه ضد روسی نیز خواهد بود، فراهم نماید. مسکو برای تأیید دیدگاه خود، سه کشور افغانستان، عراق و لیبی را که با رهبری آمریکا حکومت آن‌ها ساقط شد، مثال می‌زند. دوم؛ مسکو نمی‌تواند به درکی از منافع آمریکا نسبت به تغییر رژیم در سوریه برسد. سوم؛ مسکو بر این باور است که انگیزه برانداختن دولت قانونی اسد، در اصل از عربستان سعودی و قطر سرچشمه می‌گیرد؛ چراکه دیدگاه روسیه نسبت به حمایت عربستان سعودی از اسلام‌گرایان رادیکال در چچن و قفقاز و دیگر مناطق، مسبوق به سابقه است (Katz, 2012:5).

با این اوصاف، مداخله نظامی روسیه در بحران سوریه، یک‌لایه پیچیده دیگر را بر این منازعه چند سطحی افزود. این مداخله محاسبات بسیاری از بازیگران داخلی و منطقه‌ای را تغییر داد و انگیزه بیشتری را برای رفتمندی به سمت یک فرایند سیاسی به آن‌ها داد (Abboud, 2015). روسیه یکی از مهم‌ترین حامیان بین‌المللی اسد و از عوامل اصلی بقای او است که به معنای حفظ منافع روسیه در سوریه نیز هست. این کشور به مقابله با قطع‌نامه‌های پیشنهادی در شورای امنیت علیه اسد پرداخته و هم‌چنان در حال ارسال سلاح برای اسد و حملات هوایی علیه مخالفان دولت قانونی وی است (طالبی آرانی، زرین نرگس، ۱۳۹۵).

۲- عوامل امت محور تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

۱- عوامل سلبی تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

از آغاز اعتراضات سوریه در سال ۲۰۱۱، که از شهر درعا آغاز شد، شاهد شکل‌گیری نیروهای شبه‌نظمی مختلفی در این کشور بوده‌ایم، که گاهی اوقات تعداد آن‌ها تا ۱۰۰۰ گروه تخمین زده می‌شود. برآورد می‌شود که حدود ۳۰۰ هزار جنگجو ضد اسد در سوریه حضور دارند که شامل نیروهای چندملیتی می‌شوند، این گروه‌ها در یک جبهه واحد مبارزه نمی‌کنند و اتحاد در میان آن‌ها بسیار شکننده و متغیر است. در کنار گروههای اسلام‌گرای افراطی، اپوزیسیونی متشكل از نیروهای میانه‌رو، سکولار و گروههای کردی نیز حضور دارند. ۷۲ جناح از این نیروها در سال ۲۰۱۴، در جبهه ضد اسد تحت حمایت آمریکا و عربستان قرار گرفتند. این شوراء، اتحادی میان اعضای ارتش آزاد سوریه است. این نیرو مشتمل از ۵۰ هزار نفر است که بیشتر آن‌ها تجربه نظامی گری در ارتش اسد را داشته‌اند (Ezrow, 2015).

النصره، در آگوست ۲۰۱۱ در عراق، زمانی که رهبر داعش، ابویکر البغدادی یک شاخه سوری از القاعده را در آگوست ۲۰۱۱ ایجاد نمود، آغاز به فعالیت کرد. نیروهای النصره، خصوصاً گروههای مهاجم آن، بسیار موفق و آموزش دیده هستند. تا زمانی که

به عنوان یک نیروی ارتش آزاد سوریه فعالیت می کرد، از حمایت غرب برخوردار بود، تا این که در دسامبر ۲۰۱۲ مشخص شد که دارای روابط نزدیک با القاعده است (Ezrow, 2015). این نیرو در سال ۲۰۱۶، به جبهه فتح الشام تغییر نام داد و روابط خود را به شکلی مصلحتی با القاعده قطع کرد تا برای ایجاد دولت اسلامی در سوریه مبارزه کند (The Guardian, 2016). این نیرو در حال حاضر قدرت چشمگیری در سوریه دارد و در مبارزه با مخالفان سکولار، اسد و داعش، بسیار موفق عمل می کند.

مخوف ترین گروه سلبی در سوریه، دولت اسلامی یا همان داعش است. داعش گروه تندر و تروریستی و چندملیتی است (Katzman, 2014: 3)، که از سال ۲۰۱۳ به یک عنوان جهانی تبدیل شده که عراق، سوریه، منطقه و حتی تمام جهان را به خود مشغول کرده است. داعش به عنوان خونین ترین ماحصل جریان سلفیت جهادی، نتیجه واقعی شکست دولت و وضعیت بحرانی، قبیله گرایی، بسته بودن افق‌های راه حل سیاسی و عمیق تر شدن بحران‌ها بوده است. درواقع، داعش پدیده‌های سیاسی، نظامی، مذهبی، ایدئولوژیک و اجتماعی محسوب می شود. مجموعه‌های از ویژگی‌های متصاد فکری، سیاسی و اجتماعی در این گروه، سازمان یافته است. بعد از ۲۰۱۴/۶/۱۰ و سقوط موصل و بعدها، اشغال ۳۵ درصد از خاک عراق توسط این سازمان تروریستی، وضعیتی ویژه به وجود آمد (زرین نرگس، ۱۳۹۴: ۱۵۹). در طی چند ماه، دولت اسلامی مناطقی گسترده از غرب سوریه و شرق عراق را به کنترل خود درآورد، که جمعیتی بالغ بر ۱۰ میلیون نفر را در سال ۲۰۱۴ شامل می شود (طالبی آرانی، زرین نرگس، ۱۳۹۵). جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با این نیرو، نقش کلیدی را در تضعیف مواضع داعش داشته است و به نیروهای سوری و عراقی در جنگ با داعش، کمک‌های فراوانی نموده است. این نیرو در حال حاضر جغرافیای بسیار محدودی را در سوریه تحت کنترل داشته و زمینه برای نابودی سرمیانی آن در حال تدارک است، اما ایده داعش و تجدید ظهور آن به شیوه‌ای دیگر به این راحتی نابودشانی نیست.

عوامل ایجابی تأثیرگذار بر شکلگیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

با تشدید بحران سوریه، از همان ابتدا زمینه برای شکلگیری نیروهای نظامی و شبهنظامی فراهم شد که بهمنظور حمایت از دولت اسد تشکیل شدند. مهم‌ترین این نیروها از قبیل شبهنظامیان "شیحه"^۷ هستند. این نیروها شامل چند هزار نیروی وفادار به اسد یا اعضای فرقه‌ای علوی هستند که در برگیرنده‌ی بسیاری از خانواده‌های ارتضی، بعضی‌های معتقد، اجتماعات مذهبی اقلیت، برخی قبایل سنی عرب و دیگر نیروهای منتفع از وابستگی به اسد است (Lund, 2015: 3). نظامیان حزب الله لبنان از مهم‌ترین حامیان غیر سوری اسد بوده و نقش مهمی در تجدید قدرت و اقتدار اسد در سوریه دارند (Lund, 2015: 3).

نیروهای دفاع ملی؛ با تغییر نشان، بازسازی، و ادغام کمیته‌های محلی مردمی و دیگر گروه‌های نظامی حامی اسد از سال ۲۰۱۲ ایجاد شده است. بسیاری از گزارش‌ها حاکی از آن است که این نیروها توسط ایران ایجاد و آموزش داده می‌شوند که شامل؛ علوی‌ها و گروه‌های مسیحی در منطقه حمص است. گردندهای بعثت؛ تنها نیروی شبهنظامی منفك از نیروهای دفاع ملی است که به نظر می‌رسد دارای سازمانی واقعی در سطح ملی است. این نیروی بعضی به عنوان یک شاخه نظامی حزب حاکم سوریه سازماندهی شد. بریگاد بیت‌المقدس از بیت‌المقدس؛ یکی از اصلی‌ترین نیروهای نظامی حامی حکومت در منطقه حلب در کنار گردندهای بعث است. بریگاد بیت‌المقدس از طریق سازماندهی مجدد نیروهای پشتیبان فلسطینی از کمپ پناهندگان نی رب‌عذر شمال غربی سوریه تشکیل شد. آن‌ها به نیروهای پیش رو در حلب بدل شده‌اند. مقاومت سوریه: در شمال لاذقیه، یک ترک تبعیدی معروف به علی کیالی، یک نیروی شبهنظامی کوچک

به نام مقاومت سوریه را سازماندهی نمود، که یک مبارزه رسانه‌ای فعال را به راه انداخته است. حزب ملی گرای اجتماعی سوریه^{۷۷} در منطقه حمص و دیگر جاهای نیرویی کوچک است که در لبنان و سوریه فعال است، و باهدف حمایت از دولت اسد، خود را در مناطق مسیحی نشین سازماندهی نموده است (Lund, 2015:5). این نیروها در تلاش اند تا اسد و نیروهای ارتش را تقویت نمایند و زمینه را برای بقای نظام سیاسی سوریه و تضعیف مخالفان سوری و رادیکال‌های اسلامی فراهم آورند به گونه‌ای که بتوانند مواضع خود را در بخش‌های مختلف سوریه، با حمایت حملات هوایی ارتش این کشور و روسیه تحکیم بخشنند.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی، می‌توان چنین استدلال کرد که منطقه غرب آسیا و به‌ویژه سوریه بر اساس مدل تبیینی موربدیث در این نوشتار، مستعدترین نواحی جهان در زمینه وقوع و ماندگاری بحران‌های ژئوپولیتیکی به شمار می‌آید، چراکه هیچ منطقه و دولتی در جهان تا این اندازه از حیث دولت سازی با چالش‌های قوام‌بخش مواجه نبوده است و تا این اندازه آماج مداخله‌های فرا منطقه‌ای قرار نگرفته است. از سوی دیگر، عملاً واقعاً هیچ گونه تلاش ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای رفع یا حداقل مهار بحران‌های ژئوپولیتیکی در این منطقه و به‌ویژه در سوریه انجام نگرفته است. از این‌رو به نظر می‌رسد بحران‌های ژئوپولیتیکی در غرب آسیا نه تنها ماندگار خواهد بود بلکه به علت ابشارتگی چالش‌های آن، چه بسا ممکن است به بیرون منطقه نیز تسربی یابند. در این راستا، پیش‌بینی می‌شود که گسترش افقی بحران‌های ژئوپولیتیکی غرب آسیا به بحران‌های اجتماعی از قبیل بحران آوارگان محدود نخواهد ماند. تدبیر پیشگیرانه برای جلوگیری از وقوع این سناریو همانا مهندسی معکوس در زمینه عادی‌سازی نظام دولت در این منطقه بر پایه زدودن چالش‌های قوام‌بخش و مجال بخش از آن خواهد بود.

منابع و مأخذ

- زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۴)، بررسی چرایی ناکامیابی دولت در عراق نوین و ارائه راه کارها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- طالبی آرانی، روح الله (۱۳۹۳)، درس گفتارهای فرهنگ، قومیت و ملیت، جمع‌آوری و تنظیم یحیی زرین نرگس، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، جهانی شدن و جهان سوم، تهران، نشر سمت.
- ونت، الکساندر (۱۳۹۲)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، مترجم حمیرا مشیر زاده، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۲)، دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هالیدی، فرد، بری بوزان، بری و هینه بوش، ریموند (۱۳۹۱)، خاورمیانه نو: نظریه و عمل، ترجمه عسگر قهرمانپور، تهران: انتشارات امیرکبیر
- Abboud, S. (2015), Analysis is Iran Really Pulling Out of Syria? Retrieved from: <http://www.aljazeera.com/news/2015/12/analysis-iran-pulling-syria-151214055704354.html>
- Berti, B., Guzansky, Y. (2012), The Syrian Crisis and the Saudi-Iranian Rivalry the Foreign Policy Research Institute Retrieved from <http://www.fpri.org/article/2012/10/the-syrian-crisis-and-the-saudi-iranian-rivalry/>
- Bozorgmehr, N. (2016), Iran Deploys Army to Bolster Support for Syrian president the Financial Times. Retrieved from <https://www.ft.com/content/1e8910d4-0194-11e6-99cb-83242733f755>
- Emre, P., Abu-Nasr, D. (15 March 2012), Syrian Armed Forces Desertion Said to Surge to 60,000, Bloomberg, Retrieved 7 January 2014.
- Ezrow, N. (2015), Explainer who are Syria's anti-Assad forces? Retrieved from: <http://theconversation.com/explainer-who-are-syrias-anti-assad-forces-48527>
- FFP (2010- 2016), Retrieved from: www.fundforpeace.org.

⁷The Syrian Social Nationalist Party

- Fulton, W., (2011), Syria-Iran Foreign Relations. Iran Tracker. Retrieved from: <http://wwwirantracker.org/foreign-relations/syria-iran-foreign-relations>
- Fulton, W., Wyer, S. (2012), Iranian Strategy in Syria. Institute for study of war Retrieved from: <http://www.understandingwar.org/report/iranian-strategy-syria>
- Halliday, F. (2005), The Middle East in International Relations Power, Politics and Ideology New York. Published in the United States of America by Cambridge University Pub.
- Hinnebusch, R. (2003), The international Politics of the Middle East Manchester University Pub.
- <http://www.pbs.org/wgbh/frontline/article/a-staggering-new-death-toll-for-syrias-war-470000/>
- <http://www.tradingeconomics.com/iraq/corruption-rank>.
- <http://www.unocha.org/syrian-arab-republic/syria-country-profile/about-crisis>.
- Katz, M.N. (2012), Russia and the Arab Spring Middle East Institute Retrieved from: <http://www.mei.edu/content/russia-and-arab-spring>
- Katzman, K., Blanchard, C. M., Humud, C. E., Margesson, R., Tiersky, A., Weed, M. C. (2014), The'Islamic State'Crisis and US Policy Congressional Research Service (Library of Congress). (In Kurdish)
- Lund, A., (2015), Who Are the Pro-Assad Militias? The Carnegie Endowment for International Peace. Retrieved from <http://carnegieendowment.org/syriaincrisis/?fa=59215>.
- Mercy corps (2016), Quick facts What you Need to know About the Syria Crisis Mercy Corps Global Humanitarian Aid Agency, Retrieved from: <https://www.mercycorps.org/articles/iraq-jordan-lebanon-syria-turkey/quick-facts-what-you-need-know-about-syria-crisis>
- Pollack, M. K. (2004), Arabs at War Military Effectiveness, 1948-1991 (Studies in War, Society, and the Military). Bison Books.
- Purcell, J. (2016), Will Turkey and Saudi Arabia intervene in Syria? Retrieved from: <http://globalriskinsights.com/2016/03/will-turkey-and-saudi-arabia-intervene-in-syria/>
- Schmitt, E. (2012), C.I.A, Said to Aid in Steering Arms to Syrian Opposition, the New York Times.
- Sly, L. (2011), Sectarian Violence kills Dozens in Syria Washington Post Retrieved from: https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/syrian-tanks-troops-fire-on-protest-strongholds-in-homs/2011/11/03/gIQAgVBbiM_story.html.
- Starr, B., Labott, E., Acosta, J. (2015). Obama authorizes resupply of Syrian opposition. Retrieved from: <http://edition.cnn.com/2015/10/05/politics/russia-ground-campaign-syria-isis/>
- Wilson, S.(2011),How the U.S. Message on Assad Shifted Washington Post Retrieved from: https://www.washingtonpost.com/blogs/checkpoint-washington/post/how-the-us-message-on-assad-shifted/2011/08/18/gIQAfPZxNJ_blog.html.